روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی‌ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه‌روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹۰، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۴۰ ■ چهارشنبه ۱ شهریور ۱۳۸۵ ■ ۲۸ رجب ۱۴۲۷ ■ ۲۳ آگوست ۲۰۰۶

آبادان	+۳۳+۴۷	بیرجند	+۲۵+۳۳	سنندج	+۲۵+۳۴	همدان	+۲۴+۳۶
اراک	+۲۴+۳۴	تهران	+۲۸+۳۵	شهرکرد	+۲۳+۳۲	یاسوج	+۲۶+۳۴
اردبیل	+۲۵+۳۱	تبریز	+۲۷+۳۳	شیراز	+۲۷+۳۶	یزد	+۲۵+۳۴
ارومیه	+۱۷+۳۰	خرم‌آباد	+۲۷+۳۹	قزوین	+۲۵+۳۲	دبی	+۳۵+۴۰
اصفهان	+۲۵+۳۳	رشت	+۲۸+۳۳	کرمان	+۲۴+۳۴	نجف	+۴۱+۴۵
اهواز	+۳۲+۴۸	زاهدان	+۲۶+۳۳	کرمانشاه	+۲۵+۳۷	مکه	+۳۵+۴۲
ایلام	+۲۹+۳۷	زنجان	+۲۴+۳۴	کاشان	+۲۶+۳۶	مدینه	+۳۷+۴۱
بجنورد	+۲۶+۳۳	زابل	+۲۹+۴۰	کیش	+۳۳+۳۸	لندن	+۱۴+۲۱
بندرعباس	+۳۱+۴۰	ساری	+۲۷+۳۰	گرگان	+۲۷+۳۹	پاریس	+۱۴+۲۲
بوشهر	+۳۳+۳۶	سمنان	+۲۶+۳۴	مشهد	+۲۶+۳۳	استانبول	+۲۰+۳۰

تهران: اذان ظهر ۰۸: ۱۲ اذان مغرب ۰۶: ۱۹ اذان صبح فردا ۵۸: ۳ طلوع آفتاب ۳۰: ۵

ادامه سرمقاله

از سوی دیگر کمبود یا عدم پوشش کافی بیمه خدمات درمانی در شهرها و روستاها مزید علت شده تا برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی دولتی برای محروم‌ترین و آسیب‌پذیرترین اقشار و گروه‌های اجتماعی چنان ناممکن شود که از مراجعه به پزشک هم بازمانند. زنان و سالمندان بیمار روستایی از عمده‌ترین گروه‌هایی هستند که به علت مشکلات مالی به پزشک مراجعه نمی‌کنند درحالی که حداقل انتظار این است که از خدمات رایگان برخوردار باشند و تحت پوشش بیمه قرار گیرند. به همین دلیل است که رابطه تنگاتنگی بین بهداشت و سلامتی با عوامل موثر اجتماعی مانند فقر، تبعیض، سوءمدیریت و مقولاتی چون عدالت، دموکراسی و حقوق بشر در عرصه‌های ملی و جهانی وجود دارد. در دهه‌های اخیر همراه با پیشرفت و تحول فزاینده در دانش پزشکی و کشف فناوری‌های جدید در زمینه علوم زیستی، ژنتیک و ایمونولوژی و بهبود شاخص‌های سلامت، تحولات اجتماعی و جهانی گسترده‌ای در زمینه افزایش آگاهی‌های عمومی رخ نموده است. امروزه آحاد جامعه و بیماران نیز نسبت به حقوق مدنی خود آگاه شده‌اند و مجموعه این آگاهی‌های دوسویه به ضرورت بازنگری «ارتباط پزشک و بیمار» منجر شده است. از این نظر در اصول جدید اخلاق پزشکی و حتی سوگندنامه‌های پزشکی بیش از پیش بر کرامت انسانی، استقلال رای و نظر و منافع بیمار و رعایت عدالت تأکید شده و می‌شود. در پیوندهای شکل گرفته میان طبابت با دیگر مقوله‌های موثر اجتماعی و سیاسی است که به فاصله کمتر از چهار ماه از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین سمینار «طب ملی و مردمی» (۲۷-۲۵خرداد ۱۳۵۸) را در دانشگاه شیراز برگزار کردیم تا محورهایی چون «طب و اخلاق»، «طب و تعلیم و تربیت»، «طب و سیاست»، «طب و اقتصاد» و موضوع «طب ملی» که مرحوم دکتر سامی، وزیر وقت بهداری، به آن اشاره‌ای جدی داشت، مورد بحث قرار گیرد. تا نفوذ پزشکی در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی و تاثیر و تاثر میان این حرفه با دیگر مقولات کلان عیان شود. این سمینار تاکیدی دوباره داشت بر تحقق عدالت در بهداشت و درمان و ارتقای منزلت و جایگاه «طب» نه فقط به‌عنوان یک حرفه، دانش یا مهارت محض، بلکه به عنوان هنر دردمندی، دردشناسی و دردزدایی از انسان‌ها و یک رسالت انسانی و الهی که سلامت جسمی، روحی و اجتماعی جامعه بشری را مد نظر دارد. امیدوارم که بعد از ۲۷ سال از آن سال‌های پرخاطره، به تحقق آرزوها و آرمان‌هایی بیندیشیم که انگیزه اصلی ملت ما در انقلاب و برپایی نظام جمهوری اسلامی بود. سالروز میلاد حکیم و طبیب پرافتخار ایرانی، از این جهت نیز تقارن مبارکی است. در اولین دهه از هزاره سوم و در بازگشتی به شیوه علمی و عملی ابن‌سینا می‌توان چهره‌ای از یک پزشک و در عین حال یک فیلسوف و فقیه بزرگ و دولتمردی دانا و خردمند را به نمایش گذاشت که نمونه‌ای از یک «دانشمند مسئول» در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زمانه خود بود و با تاسی به او و پزشکانی چون اوست که می‌توان طبابت را انجام یک وظیفه الهی و جلوه‌ای از رسیدن به مقام والای انسانی خواند. در این معناست که پزشک نه به صرف درمانگری دردهای جسمی که به واسطه دردشناسی اجتماعی و دردزدایی و عدالتخواهی و آزادی‌طلبی است که مسئولیتی خطیرتر می‌یابد که گفته‌اند «الطب و الدین توامان». از زبان حکیم نظامی بشنویم: «دردستانی کن و درمان‌دهی / تات رسانند به فرماندهی / تشریح نهاد خود درآموز / کان معرفتی‌ست خاطرافروز / می‌باش طبیب عیسوی‌هُش / اما نه طبیب آدمی‌کش!»

خبر آخر

آدم‌های متفاوت در لیست بن لادن

خبر روز

اگر تا به حال فکر می‌کردید اسامه بن لادن فقط به طرح‌ریزی و اجرای عملیات تروریستی علیه مردم عادی و سیاسیون علاقه دارد، حتماً در اشتباه بوده‌اید؛ زیرا این رهبر سازمان تروریستی القاعده، مدت‌ها درصدد ترور «بابی براون» همسر «ویتنی هیوستون» خواننده سرشناس آمریکایی بوده است! این خبر که توسط «کولا بوف» شاعر و رمان‌نویس سودانی فاش شده شگفتی همگان را به دنبال داشته است. این زن سودانی که اخیراً خاطرات خود را در کتابی به نام «یادداشت‌های یک دختر گمشده» منتشر کرده است، ده سال پیش توسط بن لادن و گروهش در یک هتل مراکشی زندانی شده بود و اکنون به افشای جزئیاتی از سلیقه خاص رهبر سازمان تروریستی القاعده روی آورده است. «بوف» با اذعان به اینکه بن لادن به هیچ وجه موسیقی را مجاز نمی‌شمرد، از علاقه وی به ترانه‌های «ویتنی هیوستون» سخن به میان آورده است. «بوف» مدعی است که بن لادن قصد داشته پس از قراردادن همسر «ویتنی هیوستون» در لیست ترور و سر به نیست کردن «بابی براون» عمارت بزرگی را در حومه خارطوم در اختیار خواننده معروف آمریکایی قرار دهد. بن لادن در عین حال «ویتنی هیوستون» را «تحت‌تاثیر فرهنگ آمریکایی» و همسر آمریکایی‌اش توصیف کرده و از لزوم ترور او سخن به میان می‌آورده است! شاید با این ترتیب، بتوان اهداف جدیدی را به لیست ترور بن لادن و همفکرانش اضافه کرد: همسران خواننده‌های مشهور.

سیمپسون‌ها چقدر در اوج می‌مانند

رسانه

حسین یاغچی: دیروز اعلام شد که رای‌دهندگان امی، انیمیشن سیمپسون‌ها را به عنوان برترین انیمیشن تلویزیونی سال انتخاب کرده‌اند و انیمیشن «سود پارک» در رده دوم قرار گرفته است. با این حساب در تاریخ ۱۷ ساله پخش «سیمپسون» یک افتخار دیگر هم به نام این سریال انیمیشن تلویزیونی ثبت شد. افتخاری که همه متعلق به سود پارک می‌دانستند و برخلاف انتظار این سیمپسون‌ها بودند که امسال هم رای بیشتری به دست آوردند. ۱۷ سال پیش در بهار ۱۹۸۹ که اولین قسمت سیمپسون روی آنتن شبکه فاکس رفت «مت گرونینگ» و دوستانش در مقام خالقان این مجموعه خیلی خوب می‌دانستند که سیمپسون‌ها فرهنگ خاص خودشان را به وجود می‌آورند. هرچند که احتمالاً در دوره دوام ۱۷ ساله آن که همچنان هم ادامه دارد تردید داشتند و بدبین بودند. کافی است به سایت‌های اینترنتی معتبر مراجعه کنید و آمار فروش DVD سیمپسون را جویا شوید و ببینید که چه حجم بالایی از مشتریان را نه فقط در آمریکا که در سطح جهان به خود اختصاص داده است. مسئولان کمپانی فاکس باهوش بودند که این همه هواداران این مجموعه را در انتظار عرضه دی‌وی‌دی‌های آن نگه داشتند تا امروز این سود سرشار روانه حساب‌هایشان شود. احتمالاً برای اکران فیلم سیمپسون‌ها در سال آینده میلادی هم نقشه‌هایی در سر دارند که البته از همین حالا می‌شود با اطمینان گفت حتماً موفقیت‌آمیز خواهد بود. اما سیمپسون‌ها چه خصوصیاتی دارند که باعث شده است ۱۷ سال روی آنتن بمانند؟ مگر آنها همان انتقادهایی را از فرهنگ عمومی آمریکایی مطرح نمی‌کنند که سالیان سال است نسل‌های مختلف از روشنفکران اروپایی آن را هوار زده‌اند و فقط اعصاب خودشان را خرد کرده‌اند. همان ساده‌لوحی و الکی‌خوشی طبقه متوسط آمریکا که خالقان سیمپسون به هنرمندانه‌ترین شکل ممکن منتقدش هستند. آنها ۱۷ سال است که همین آدم‌های طبقه متوسط آمریکا را پای تلویزیون می‌نشانند تا رفتارهای آنان را تقلید کنند و از همین تماشاگران خنده بگیرند. این اصلاً کم هنری نیست.

اعلام برگزیدگان جشن تئاتر

تئاتر

پنجمین جشن سالانه انجمن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر، روز دوشنبه با حضور اهالی تئاتر و مطبوعات در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار شد. در این مراسم از بین سیامک احصایی، بهرام بیضایی و محمد رحمانیان؛ سه کارگردان بالای ۴۰ سال، بهرام بیضایی با نمایش «مجلس شبیه در ذکر مصائب...» توانست بیشترین رای را نصیب خود کند. در میان کارگردان‌های زیر ۴۰ سال هم از میان نمایش‌های «در میان ابرها» امیررضا کوهستانی، «دن کاملو» کوروش نریمانی و «دن کیشوت» علی اصغر دشتی، جایزه به کوروش نریمانی اهدا شد و گروه تئاتر «دن کیشوت» با سرپرستی علی اصغر دشتی به عنوان گروه برگزیده انتخاب شد. رضا کیانیان، پرویز پرستویی و رویا تیموریان هم بازیگرانی بودند که در این مراسم از آنها تجلیل شد. حمید سمندریان مدرس و کارگردان باسابقه تئاتر بر صحنه حاضر شد و هدایای این بخش را اهدا کرد. در بخش مسابقه عکس، هیات داوران جایزه خود را به میلاد پیامی برای عکس‌هایش در روزنامه شرق اهدا کرد و در بخش گزارش فروغ سجادی، گفت‌وگو علی جمشیدی و نقد امین عظیمی انتخاب شدند.

شهرک غرب؛ خلق طولانی‌ترین نقاشی جهان

تجسمی

طولانی‌ترین نقاشی جهان به مناسبت عید سعید مبعث دیروز با حضور پنج هزار نوجوان ایرانی در میدان صنعت (شهرک غرب) تصویر شد. موضوع این نقاشی پیامبر اعظم(ص) و مبعث بود و مکه معظمه، غار حرا، تصویر حضرت محمد(ص) در قالب نور و گل‌های رنگارنگ بیشترین تصاویر این نقاشی پنج کیلومتری را تشکیل داد. در مراسم اجرای این طرح دو گروه نمایشی «ایلیا» و «فلفلی» در محل طرح حضور داشتند و برنامه‌های شادی را اجرا کردند. حضور این گروه‌ها به شادی و جشن این مراسم کمک کرد و در واقع مراسم اجرای طرح «طولانی‌ترین نقاشی جهان» را به یک کارناوال شاد هنری تبدیل کرد. به گزارش مهر سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، پلیس جوان، پلیس نیروی انتظامی و نشر گرافیک از نهادهای برگزارکننده این طرح بودند. کارشناسان حاضر در این طرح نیز خلق اثر هنری، دفاع از ارزش‌های اسلامی و تصویر کردن صلح جهانی با بهره‌گیری از هنر نقاشی را از اهداف کلی و عمده اجرای این طرح دانستند. خلق طولانی‌ترین نقاشی جهان با موضوع پیامبر اعظم(ص) از ساعت ۹ صبح دیروز، ۳۱ مرداد تا ساعات پایانی این روز ادامه داشت.

این اتاق فکر کجاست

حاشیه سیاست

اکبر منتجبی: علی‌اکبر ناطق‌نوری رئیس سابق مجلس شورای اسلامی، روز دوشنبه گفته است که کارها را باید به جوانان سپرد و بزرگترها به اتاق فکر بروند تا از نظرات آنها استفاده شود: ۱- سیدمحمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران که مهمترین تحولات سال‌های اخیر در دوران ریاست‌جمهوری او رقم خورد، امروز عازم کشور ژاپن می‌شود تا فارغ از مسائل سیاسی و رخدادهای هسته‌ای کشور، درباره گفت‌وگوی تمدن‌ها با ژاپنی‌ها سخن بگوید. از آنجا نیز به واشینگتن سفر می‌کند تا ادامه سخنان خود را در همین خصوص در آمریکا پی گیرد. خاتمی چندی پیش در دیداری که با تعدادی از خبرنگاران داشت، در پاسخ به اینکه آیا در دولت جدید مورد مشورت قرار می‌گیرد و از تجربیات او استفاده می‌شود، پاسخ منفی داد.

۲- اکبر هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به تازگی از سفر مشهد مقدس به تهران بازگشته است. این سفر فصلی بود و در زمانی رخ داد که هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان از او برای شرکت در دو همایش مشروطیت دعوت به عمل آورده بودند. هاشمی نه به همایش اصلاح‌طلبان رفت و نه به همایش اصولگرایان. به مشهد سفر کرد. او که به تازگی از این سفر بازگشته، به موزه قرآن رفت و بازدیدی از آنجا به عمل آورد. هاشمی عمده وقتش در مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گذرد و سیاست‌های کلی نظام را تدوین می‌کند. اطرافیانش تاکید دارند که در دولت جدید او مورد مشورت قرار نمی‌گیرد.

۳- مهندس میرحسین موسوی نخست‌وزیر دوران جنگ، سال‌ها است که در حاشیه به سر می‌برد. او نه در خردادماه ۷۶ و نه در سال ۸۴، به هیچ تقاضایی جهت شرکت در رقابت‌های انتخاباتی پاسخ مثبت نداد. مهندس این روزها درگیر نمایشگاه نقاشی‌های خود است. او در دوران ۸ساله ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی مشاور عالی او بود، اما در این ایام تنها مشغولیتش نقاشی است و به امور فرهنگستان هنر که ریاستش را برعهده دارد، می‌پردازد.

۴- مهدی کروبی رئیس دو دوره مجلس که اتفاقاً در دوران او نیز تحولات سیاسی ایران پرفروغ بود، این روزها فقط به امور حزب اعتمادملی که دبیرکلی آن را برعهده دارد، می‌پردازد. شیخ مهدی کروبی از اعتبار خود گاهی استفاده می‌کند تا رافع مشکلات برخی از دانشجویان و زندانیان سیاسی باشد. او نیز چنان بقیه مورد مشورت هیچ دولتمردی قرار نمی‌گیرد و حتی از تجربیات او در امور مجلس و... استفاده نمی‌شود.

۵- علی‌اکبر ناطق‌نوری رئیس پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی که برای اصولگرایان در طول ۱۶ سال گذشته نقش‌آفرینی بسیار می‌کرد، این روزها خانه‌نشین است. او چندی ریاست شورای هماهنگی نیروهای انقلاب را عهده‌دار بود اما «بداخلاقی» برخی باعث شد تا او رسماً اعلام کند که دیگر هیچ‌گاه در سیاست جمعی عمل نمی‌کند و اگر لازم باشد به صورت انفرادی عمل خواهد کرد. در دوره‌ای اصولگرایان اعلام کردند که باید بزرگان قوم به اتاق فکر بروند تا از تجربیات آنها استفاده شود. ناطق‌نوری پذیرفت، اما عیان است که از آن پس هیچ‌گاه مورد مشورت قرار نگرفت. روز پنجشنبه در حاشیه سخنرانی وی در مسجدالجواد از او درباره لایحه تجمیع انتخابات پرسیدند. در حالی که هیچ‌گاه با او به عنوان صاحب‌نظر در مسائل انتخاباتی مشورت نشد.

۶- به این فهرست می‌توان نام‌های بسیاری از دیگر بزرگان نظام را افزود که این روزها نه نامی از آنها است و نه نشانی. دولت و دولتمردان درگیر امور خود هستند. اتاق فکری نیز وجود ندارد تا آنها در آن جمع شوند. همه در حال فراموش شدن هستند و بی اینکه از تجربیات اغلب آنها استفاده شود.

آرزوی پدر ۸۸ساله در هند

چه خبر

وصال روحانی: یک کشاورز ۸۸ساله از هند تبدیل به یکی از پیرترین پدرها در جهان شده است. او که ویر مارام‌جات نام دارد، ۶۰ سال است که می‌کوشد صاحب یک فرزند پسر شود، اما بچه نوزاد او مثل فرزندان قبلی وی که بزرگترین‌شان یک دختر ۳۶ساله است، باز هم یک دختر است. همسر فعلی او که گامو دوی نام دارد ۴۵ سال از ویر مارام‌جات جوان‌تر است. کشاورز پیر هندی به مطبوعات کشورش گفته است: «بدم نمی‌آید که صاحب فرزندان بیشتری و به خصوص یک پسر شوم اما همه چیز با خدا است. لزوماً مایل نیستم که ۱۱۰ یا ۱۲۰ سال عمر کنم اما تا زمانی که زنده‌ام، زندگی خوبی را برای خود فراهم خواهم کرد.»

جسد سرباز آلمان نازی در باغ خانه

یک مرد در کرواسی زمانی که به دنبال مقداری خاک برای باغ جدید و کوچک خانه‌اش بود، با اسکلت یک سرباز آلمان نازی برخورد کرده است. این مرد که برونو مارین چیچ نام دارد، این خاک را از تعدادی کارگر که در اطراف محل مسکونی وی در شهر روپی کرواسی به کارهای ساختمانی اشتغال داشتند خریداری کرده بود و هنگامی که خاک را از درون گونی در آورده و در حال پخش و پاشیدن آن بر روی سطح زمین در باغش بود، با تکه‌های اسکلت برخورد کرد. خودش می‌گوید: «شوکه شده بودم. نگاهی دقیق‌تر انداختم و دیدم که تکه‌های فلزی به استخوان وصل است و متوجه شدم که مربوط به سربازان آلمانی نازی بوده است.»

قوام، ما گشنمونه

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

آقای کپورچالی: یاد شعبان جعفری هم به خیر. هر چه هست بالاخره دستش از دنیا کوتاه شده، خیلی نمی‌شود درباره‌اش همان حرف‌های سابق را زد. بالاخره مرده‌ها عزیزتر از زنده‌ها هستند. صبر کن چند صباح دیگر اردشیر زاهدی هم شتر مرگ را دم در خانه‌اش ببیند، حتی او هم عزیز می‌شود...

آقای امیرشاهی: تو را به خدا تو دیگر نگو که ما ایرانی جماعت مرده‌پرست و زنده‌آزاریم. این قدر از این حرف‌ها توی تاکسی شنیده‌ام، که حالم بد می‌شود. به هر حال شعبان بی‌مخ، بی‌مخ بود و بعد از مرگش، با مخ که نمی‌شود.

آقای مویدی: اصلاً من مانده‌ام چرا اسم بی‌مخ روی این آدم ماند. در حالی که خیلی هم بی‌مخ نبود. هرکس جای او بود، حد و اندازه‌اش از معرکه گرفتن کنار خیابان و زنجیر پاره کردن و مجمع جر دادن و خر را با دندان بلند کردن بالاتر نمی‌رفت. اما این آقا برای خودش «تاجبخشی» بود. تاج را او دوباره سر محمدرضا گذاشت. کینگ میکر بود. ببین هم‌دوره‌ای‌هایش کجا هستند او به کجا رسید؟

آقای روشن‌ضمیر: تازه شعر هم می‌گفت. یادتان که هست؟ «نون و پنیر و پونه / قوام، ما گشنمونه...»

آقای کپورچالی: به تشییع جنازه می‌گفت: «تشویق جنازه» جلوی شاه هم سوتی می‌داد. می‌خواست به شاه بگوید که شما باید از ما استفاده کنید. می‌گفت: «اعلی‌حضرت می‌توانند از ما سوءاستفاده کنند...»

آقای مویدی: یک‌بار هم با لنگ گیوه زد توی دهن من. شبی بود، رفته بودیم خانه آکائوس. همچین که یک خورده کلمه‌مان گرم شد، من شروع کردم به لو دادن اسرار کمیته مجازات. بعد هم شعبان، چنان با لنگ گیوه زد توی دهن من که...

آقای امیرشاهی: فکر کنم شما هم مثل کپورچالی یک خورده صفحات کتاب خاطرات‌تان قاطی پاطی شده. چیزی که تعریف می‌کنید مال فیلم هزاردستان است و آن آقا هم شعبان استخوانی بود که زد توی دهن خان‌دایی.

آقای مویدی: من پیش خودم می‌گفتم این نباید جزء خاطرات من باشد و سن و سالم به کمیته مجازات نمی‌خورد، اما می‌گفتم پس این تصویر از کجا آمده در مموری بنده؟ پس مال فیلم بوده...؟

آقای کپورچالی: حالا چه فرقی می‌کند؟ اگر من بخواهم حساب و کتاب کنم، آن‌قدر خاطرات الکی تعریف می‌کنم که هیچی‌اش به هم نمی‌خورد...

چهار شب پیش داشتم برای نوه‌ام با آب و تاب یک خاطره تعریف می‌کردم از کودکی‌ام در کپورچال. بعد هم اواسطش متوجه شدم یک جای کار ایراد دارد و ما اصلاً در کپورچال معدن زغال‌سنگ و کشیش نداشتیم، اما به روی خودم نیاوردم. آخرش نوه‌ام گفت اینکه قصه فیلم «دره من چه سرسبز بود» جان فورد است... در جوابش گفتم: «دانه معنی بگیرد مرد عقل / ننگرد پیمانه را گر گشت نقل» اما نوه من معنی شعر را که نفهمید.

آقای روشن‌ضمیر: من بعضی وقت‌ها یادم می‌رود که خاطره‌ای که دارم تعریف می‌کنم، توی کتاب خواندم، توی فیلم دیدم، یا خوابش را دیدم... می‌دانی چی تعریف کردم؟ با آب و تاب برای داماد و نوه و یک‌سری فامیل غریبه داشتم تعریف می‌کردم که توی ساواک من با نصیری درگیری داشتم و با اینکه من به شاه نزدیک‌تر بودم، اما نصیری زیرآب مرا زد... بعد پسرم گفت دوباره خاطرات فردوست را خوانده‌ای؟

آقای کپورچالی: من که گندی بالا آوردم که نگو و نپرس، داشتم قصه غریزه اصلی را به جای خاطرات دوران سربازی تعریف می‌کردم.

آقای مویدی: قسمت دومش هم آمده به خوبی اولی نیست. ولی بد هم نیست. یادم بینداز موقع رفتن سی‌دی‌اش را بدهم که ببینی.

آقای امیرشاهی: باز هم صد رحمت به شماها. بگذار بزنم به تخته تق‌تق‌تق. میرفتاح جان، مثل اینکه در می‌زنند. می‌شود زحمت بکشی در را باز کنی.

mirfattah@yahoo.com

مرگ بسم‌الله خان

بسم‌الله خان نوازنده و موسیقیدان برجسته هندی و مشهورترین نوازنده ساز بادی «شهنای» بامداد روز دوشنبه ۲۱ اوت در سن ۹۱ سالگی درگذشت. به گزارش بی‌بی‌سی به گفته منشی خصوصی بسم‌الله خان وی در پی حمله قلبی در بیمارستانی در شهر بنارس درگذشت. بسم‌الله خان در معرفی و ارتقای ساز شهنای، ساز بادی هندی که اندکی به ساز «ابوا» شباهت دارد، نقش برجسته‌ای داشته است. به مناسبت درگذشت این نوازنده، دولت هند یک روز را عزای عمومی اعلام کرده است. بسم‌الله خان در سال ۲۰۰۱ به نشان «بهارات راتنا» (جواهر هند) بالاترین نشان افتخاری هند دست‌یافت. نقطه اوج زندگی هنری وی را شاید بتوان اجرای موسیقی در قلعه سرخ دهلی در شب استقلال هند در سال ۱۹۴۷ دانست. بسم‌الله خان در ۲۱ مارس ۱۹۱۶ در روستای کوچکی در شمال هند به دنیا آمد. او به خانواده‌ای از نوازندگان درباری تعلق داشت، به همین دلیل از شش سالگی درس موسیقی گرفت و خیلی زود در رشته خود به مقام استادی دست‌یافت. در اوایل دهه ۱۹۶۰ بسم‌الله خان بی‌آنکه اجرایی در خارج از هند داشته باشد، از طریق صفحه‌هایش شهرتی جهانی پیدا کرده بود. وی از تبلیغات و صنعت سینمای بالیوود گریزان بود و معتقد بود که باید «شنیده شود» نه آنکه «دیده شود». گفته می‌شود که او از سفر با هواپیما واهمه داشت و به همین دلیل تا مدت زیادی از پذیرش دعوت برای اجرای موسیقی در خارج از هند سر باز می‌زد. در سال ۱۹۶۶ به اصرار و تشویق دولت هند، پذیرفت که برنامه‌ای در فستیوال ادینبورگ اجرا کند، به شرط آنکه او و تمام اعضای گروهش به خرج دولت هند، پیش از سفر به اسکاتلند برای زیارت به مکه و مدینه فرستاده شوند. در واقع او این را شرط برای این گذاشت که شاید از فرستادن او به ادینبورگ صرف‌نظر کنند. ولی نهایتاً با تقبل هزینه سفر او و همراهانش به مکه از سوی دولت، وی برای نخستین‌بار در خارج از هند به روی صحنه رفت. پس از آن کنسرت‌های خارجی بسم‌الله خان با حضور در بسیاری از نقاط جهان از جمله آمریکا، اروپا، ایران، افغانستان، ژاپن و هنگ‌کنگ ادامه پیدا کرد. وی در کوچه باریکی در یکی از محلات درجه چندم در بنارس زندگی پر ریاضت و ساده‌ای را می‌گذراند و ریکشا (کالسکه‌ای که دوچرخه‌ای آن را می‌برد) وسیله نقلیه محبوب او بود. او به‌رغم شهرتش، اغلب در کوچه و خیابان بنارس دیده می‌شد. او درآمد چندانی از راه نوازندگی نداشت و این درآمد می‌بایست تکافوی هزینه زندگی خانواده بزرگ او را می‌کرد که نزدیک به ۶۰ نفر بودند. در سال ۲۰۰۳ او از اتال بیهاری واجپایی نخست‌وزیر وقت هند درخواست کمک مالی کرد و پس از چندین بار که درخواستش بی‌پاسخ ماند، نهایتاً مبلغ ۵۰۰ هزار روپیه (۱۰ هزار و ۷۶۰ دلار) به او داده شد. جنازه بسم‌الله خان شامگاه دوشنبه، ۲۱ اوت با اجرای مراسم تشریفاتی دولتی در شهر بنارس دفن شد.

یاد

شرق از تاریخ ۸۵/۶/۱۱
در استان مازندران و شهرستان ساوه
به همراه روزنامه توزیع خواهد شد.
از روزنامه فروشی ها بخواهید

شماره دهم نسیم منتشر شد

پرونده ماه: ممنوع التصویرها

دفاتر سرپرستی روزنامه شرق در سراسر کشور

آذربایجان شرقی	آقای نیک رفتار	تبریز: طالقانی، بالاتر از مصلای امام پلاک ۱۳۱	۰۴۱۱-۵۵۵۹۸۹۳
آذربایجان غربی	آقای رزاقی	ارومیه: خیابان مدنی ۲ تقاطع عطایی و سید جواد، پلاک ۷۳	۰۴۴۱-۲۲۳۷۵۵۹
اردبیل	آقای زمردی	اردبیل: میدان امام حسین آغازه میدان، بازار امام حسین، طبقه اول، پلاک ۱۰۷	۰۴۵۱-۲۲۶۴۸۲۶
اصفهان	آقای عطربافنر	اصفهان: چهار باغ بالا، جنب مجتمع پارک، ساختمان کلستان طبقه فوقانی بانک سپه، واحد ۲	۰۳۱۱-۶۶۶۱۰۲۰
چهارمحال و بختیاری	آقای غفاری	شهرکرد: بلوار آیت ا... کاشانی، نرسیده به چهارراه هوایپمایی، کوچه ۴۱، پلاک ۳۳	۰۳۸۱-۲۲۵۰۰۳۳
خراسان	آقای شیخ‌الاسلامی	مشهد: خیابان امام خمینی، کوچه امام خمینی ۵۷، پلاک ۱۲	۰۵۱۱-۸۵۴۸۱۰۰
خوزستان	آقای طهماسبی	اهواز: امانیه، خیابان مستعان، بین انقلاب و عارف، پلاک ۱۸، طبقه همکف	۰۶۱۱-۳۳۶۴۳۵۸
سمنان	آقای یزدانی	شاهرود: میدان امام، روبروی اداره برق، طبقه دوم ملاصی طلوع	۰۲۷۳-۲۲۲۸۱۳۱
سیستان و بلوچستان	آقای صمدی‌زاده	زاهدان: بلوار بزرگمهر، بزرگمهر ۴۰، ساختمان شرق	۰۵۴۱-۲۴۱۷۸۸۵
فارس	آقای حق گو	شیراز: انتهای خیابان رودکی، تقاطع فردوسی، موسسه پیغام امروز	۰۷۱۱-۲۳۳۳۷۲۶
قزوین	آقای قلی زاده	قزوین: خیابان منتظری، روبروی مسجد امامیه پلاک ۴۶۱	۰۲۸۱-۲۵۶۸۵۴۰
قشم	خانم صیفی	قشم: میدان امام قلی خان، مجتمع سیمرغ واحد B۳۲ دفتر گسترش رسانه های مکتوب	۰۷۶۳-۵۲۲۶۷۶۷
کاشان	آقای شافعی	کاشان: میدان منتظری، ابتدای خیابان ۲۲ بهمن، روبروی شرکت ملی نفت، کوی نوحید ۱۸، پلاک ۱۰۹	۰۳۶۱-۴۴۵۰۸۵۵
کرج	آقای میر قاسمی	کرج: بلوار شهید چمران، روبروی پارک چمران، ساختمان پارک طبقه ۲	۰۲۶۱-۲۲۴۰۳۶۷
کردستان	آقای تمری	سنندج: خیابان امام، پاساژ نور، طبقه همکف، پلاک ۶۱	۰۸۷۱-۲۲۵۳۳۰۱
کرمان	آقای محتسبی	کرمان: چهارراه خواجو، جنب بانک مسکن، طبقه دوم بانک ائمه معصومین، موسسه مطبوعات نوین	۰۳۴۱-۲۲۶۴۰۰۰
کرمانشاه	آقای شهبازی	کرمانشاه: میدان غدیر، خیابان سید جمال‌الدین، روبروی آتش نشانی	۰۸۳۱-۷۲۹۸۵۴۴
کهگیلویه و بویراحمد	آقای پراهام	یاسوج: خیابان سردار جنگل جنوبی	۰۷۴۱-۲۲۲۱۴۵۹
گلستان	آقای میر کریمی	گرگان، پاساژ شهرنگی، طبقه دوم	۰۱۷۱-۲۲۲۲۱۲۳
گیلان	آقای طباطبایی	لاهیجان: صدف، مرکز خرید گلستان، فرعه ۲۰	۰۷۶۴-۴۴۴۴۰۰۱
لرستان	آقای عبداللهیان	رشت: بلوار امام خمینی، سنگ سازی، کوچه فرشته، پلاک ۱۱۰	۰۱۳۱-۶۶۶۱۲۶۲
مازندران	آقای نجف وند	خرم آباد: بین میدان امام و میدان شقایق، کوچه شهید شاهرخی (کوچه بانک صنعت و معدن) روبروی نظرخانه شماره ۵ پلاک ۹	۰۶۶۱-۴۲۰۵۱۰۹
مرکزی	آقای هدایتی	قائم شهر: خیابان ۱۶ متری، نرسیده به میدان شهیدان طبری،	۰۱۲۳-۲۲۲۶۱۳۱
هرمزگان	آقای میر عظیم	اراک: خیابان امام خمینی، روبروی خیابان قائم مقام طبقه ۳ پاساژ طلا	۰۸۶۱-۲۲۴۰۱۵۰
یزد	آقای فلکیان	بندر عباس: بلوار سید جمال‌الدین، نبش خیابان کارزانی ساختمان سبز، شماره ۳۰۲	۰۷۶۱-۳۳۴۸۰۷۶
	آقای ابهت	یزد: خیابان فرخی، کوچه دکتر عرب، طبقه تمشاتی انجمن حمایت از بیماران قلبی	۰۳۵۱-۶۲۲۸۴۲۲